

آتش بیار و آتش نشان

همان موقعی که محمد رضا شاه با جنرال الفان قرار داد کسیرسوم قرارداد جدید نفت با انحصارهای امپریالیستی را امضا رسانید و تصدیق شد که تولید نفت ایران را در سال های آینده به ۵۰۰ میلیون تن برسانند سازمان بارکسیستی-لیننیستی توفان بر اعلامیهای پابین مناسبت گفت:

این خیانت جدیدی است که تنها به نفع و مصالح امپریالیست ها بلکه به نفع همه خلق هائی که با نفتخواران جهانی مبارزه برخاسته اند، خیانتی است به نفع امپریالیست ها بلکه در میان بین المللی (شرفان شهروز: ۳۰ و ۳۱ شهریار: ۶-۷) و در خرد این گذشته، توفان چنین گفته:

امروز بر همه روشنی است که نیاز جهان امپریالیسم به نفت کشورهای افول روز افزون است و با وضع بد چواری که در اثر محاربه بیخوشی از دولت های خاورمیانه و آفریقا برای انحصارها نفتی پیش آمده تا این جریان نفت برای آنها اهمیت درجه اول یافته است. روزنامه لیونارد که وابسته به وزارت خار دولتی است که از طریق شرکت نفت فرانسه در کسیرسوم سهم دارد در باره قرار داد جدید شاه و کسیرسوم چنین می نویسد: مسئله تا این نفت و گاز بصورت یکی از خطیرترین مسائل دریای عرب در آمده است و مطالبات کشورهای تولیدکننده روز بروز سنگین تر میشود. در شرکت های کسیرسوم چنان منبع مطمئن و فراوانی مانند منبع نفت ایران را بدست بیست سال برای خود تا این حد نگرفته اند. این گفتار لیونارد که در پیروزی است که در کشورهای نفتی منتهی شده است. این منطقه صحت نظریه سازمان ما و خیانت بزرگ محمد رضا شاه را بیش از پیش آشکار ساخته است. امروز که امپریالیست ها در اثر محاربه سازمان یافته دولت های عرب بوضع دشواری دچار آمده اند، نیکگاه همه آنها در تحصیل نفت و همانا نهمین رضا شاه و قرار داد جدید او با کسیرسوم است. در نتیجه ضد امپریالیستی خلق های خاورمیانه شکافی هست بنا به نظر ما مدیر روابط بین المللی شرکت ملی نفت ایران در اجلاس اتحادیه اربابای عربی اعلام داشت که ایران تا حد امکان از رفع نیازمندی های نفتی جهان را باری خواهد داد. در گذشته منظور از جهان امپریالیستی است و اضافه کرد که ایران در نظر او به طرفیت تولیدی فعلی خود را تا شش ماهه افزایش دهد. (اطلاعات: ۳ آبان ۱۳۵۴) در روزهای جنگ خاورمیانه و تلاش ایران برای تدارک امدادی قرار داد های نفت و گاز با شوروی و آلمان غربی و برخی دیگر از کشورهای آریست امپریالیستی چند برابر شد. مترجم ترین سیاستمداران آلمان در مجلس آن کشور از اقلیات شاه در کلمه تا همین نفت و گاز امپریالیسم آلمان سیاستزایی کردند و تاسف خوردند که دولت آلمان چنین دست با وفايي را تا امروز بخوبی نشانخته بوده است. روزیونست های حزب توده ایران هم قرار داد این تراج جدید گاز ایران را که بدست سوسیال امپریالیسم شوروی صورت خواهد گرفت مثبت خوانند و خلق های خاورمیانه با خشم و نفرت بی پایان دیدند که محمد رضا شاه چگونه به چنین اقتصادی و جنگی امپریالیسم و صهیونیسم نیرو برساند.

به توفان کمک مالی بوسانید

کارگران معدن

انزلی از دلیلی ایران، طبق دستور سازمان امپریالیستی طوری آنها را تنظیم میکنند که وضع زندگی مردم و بوسه زحمتکاران حتی القدر بر پیشینه بماند. این توطئه در تنظیم شاخص هزینه زندگی، صرف سرتا به کوشش و خشم مردم و حقوق کارگران، تقسیم بندی حقوق بکاران نیکانها و غیره بکار میروند کم و زیاد کردن ارقام نیز از امور عادی است. معدنک همین آثارها و نمود ارقام زبان بریده شیر بر خفاست زندگی زحمت کاران ایران گواهی میدهند.

اینکه «آمار معدن ایران - سال ۱۳۴۸» در برابر ماست و کار در معدن یکی از دشوارترین کارها و دشوارترین کارگران معدن در جهان سرمایه داری به نسبت کارگران دیگر نیالاست. به بیش از وضع در معدن ایران چگونه است. کارگران، نخست معدن ایران را بدو گروه تقسیم کرده اند: شغل و غیر شغل. معدن شغل آنهاست. معدن که در روزگار اقتصاد پرورنده و پرورنده دارند یعنی با انحصار فئالیست مستقل بدست آورده اند و باز از جانب وزارت اقتصاد به فعالیت مشغول اند و در ضرورت تحت نظارت قرار گرفته اند. معدن غیر شغل آنهاست هستند که به نفعی فصل و احتیاج مقاطعه کاران راهبا و شرکت های ساختمانی بکار می افتند و بنا به همین اقتصاد هم تعطیل میشوند. مانند بسیاری

از معدن های خاک رس، سنگ ساختمانی، آهک و غیره. این معدن از حیث هرگونه نظارتی، بزرگانند و مقاطعه کار در آنجا حکمران مطلق است. هر که را مایل باشد بکار میگیرد و هر دستمزدی را که مناسب است تصانی است. بویبار در هر لحظه که منافعی اقتصادی دارد معدن را کهر میکند. در این معادن استشار و حیثیانه قرون وسطایی بین از همه جا پیدا میکند. از اینجهت کارگران و بکاره از معدن غیر شغل روی بر تافتند. ۱۷۹ معدن را یکجا بحساب نیاروند. آن کارگر معدن آهک که در بکار کهر جان میکند. آن کارگر کوپکن کننده روزی ۱۲ ساعت، فرهاد دار بر یا سنگ خاره بدست و پنجه نرم میکند. در وقت معدن راضایهی هیچ حساب و کتابی ندارند. ایام در مورد معدن متشکل - در اینجا کارگران کوپکن قسری و یا طبقه ای بنام کارگر نمی شناسند. برای آنها در معدن ایران قطعی مقله از نیروی کار وجود ندارد که عبارت است از کارکنان آنها چه در مورد معدن و چه در مورد حقوق آنها. همه جا از کارکنان سخن میگویند نه از کارکنان و کارگران. تا میاد گوشه ای از وضع زندگی کارگران از زیر رویش ضخیم آمار بچشم بخورند.

بنا به این رویش را اندکی بخراشیم وضع نیروی کار در معدن زغال سنگ در سه استان مهم از این قرار است:

از معدن های خاک رس، سنگ ساختمانی، آهک و غیره. این معدن از حیث هرگونه نظارتی، بزرگانند و مقاطعه کار در آنجا حکمران مطلق است. هر که را مایل باشد بکار میگیرد و هر دستمزدی را که مناسب است تصانی است. بویبار در هر لحظه که منافعی اقتصادی دارد معدن را کهر میکند. در این معادن استشار و حیثیانه قرون وسطایی بین از همه جا پیدا میکند. از اینجهت کارگران و بکاره از معدن غیر شغل روی بر تافتند. ۱۷۹ معدن را یکجا بحساب نیاروند. آن کارگر معدن آهک که در بکار کهر جان میکند. آن کارگر کوپکن کننده روزی ۱۲ ساعت، فرهاد دار بر یا سنگ خاره بدست و پنجه نرم میکند. در وقت معدن راضایهی هیچ حساب و کتابی ندارند. ایام در مورد معدن متشکل - در اینجا کارگران کوپکن قسری و یا طبقه ای بنام کارگر نمی شناسند. برای آنها در معدن ایران قطعی مقله از نیروی کار وجود ندارد که عبارت است از کارکنان آنها چه در مورد معدن و چه در مورد حقوق آنها. همه جا از کارکنان سخن میگویند نه از کارکنان و کارگران. تا میاد گوشه ای از وضع زندگی کارگران از زیر رویش ضخیم آمار بچشم بخورند.

بنا به این رویش را اندکی بخراشیم وضع نیروی کار در معدن زغال سنگ در سه استان مهم از این قرار است:

بنا به این رویش را اندکی بخراشیم وضع نیروی کار در معدن زغال سنگ در سه استان مهم از این قرار است:

بنا به این رویش را اندکی بخراشیم وضع نیروی کار در معدن زغال سنگ در سه استان مهم از این قرار است:

درباره يك اندرز امپریالیستی

سفر آمریکا را بر این در چهارده علم در جلسه تا غار آشگاه روزی (۲۰ شهریور) حق داشت که برده سخن گوید زیر آفتاب محفل خاندان و سخن میگفت. بنا بر این رزاد و ایران باید در فضای خود را همچنان بر روی سرمایه های خارجی باز نگذارد تا ساعت دوازده بوی ارزانی شود.

در تهران در مقابل حق و حقیقتانده و اناناطا... گفتند و رفتند و کماطی سال های گذشته ناظران بودند و اینها تنها در مورد نفت است بلکه سرمایه گذاری خارجی از ما را در باها نیز در آن سلطنت بوده است.

بنا به این رویش را اندکی بخراشیم وضع نیروی کار در معدن زغال سنگ در سه استان مهم از این قرار است:

گروانی در ایران

بنا به این رویش را اندکی بخراشیم وضع نیروی کار در معدن زغال سنگ در سه استان مهم از این قرار است:

بنا به این رویش را اندکی بخراشیم وضع نیروی کار در معدن زغال سنگ در سه استان مهم از این قرار است:

شناخت مشخص دو ابر قدرت

در جهان کنونی که در مادیون ارزیابی نقش دو ابر قدرت آمریکا و شوروی نمیتوان تحلیل درستی از اوضاع بین المللی داشت بعضی مباحثی اند که اصطلاح ابر قدرت خالی از مفهوم طبعی است و از این جهت نمیتواند توجیه صحیح اجتماعی داشته باشد.

این اصطلاح توجه به معنای لغوی کلمات و نظام فحوصم تاریخی آنها ناشی میشود. واقعیت تاریخی چنین است که همه کشورهای آمریکایی از جنگ جهانی دوم تاکنون بر روی آمدند مگر آمریکا که بر مراتب نیروی ترسند و تسلط اقتصادی و نظامی و سیاسی خود را گسترش داده و سایر ملل را تحت امر و محاسبات عظیمی از کشورهای سه قاره را زیر پرچم گرفت. حتی امروز هم که کشورهای بزرگ اروپا و آسیا در حال تجدید قوا و بازیگری در صحنه بین المللی هستند باز خود را در برابر فشار شوروی نیازمند قدرت نظامی اوی می بینند.

باز واقعیت تاریخی چنین است که نخستین کشورها را تحت رهبری لنین و استالین برکت رژیم سوسیالیستی. یا چنانچه آهنگی در راه پیشرفت شتابت که پس از پیروزی در جنگ کیهنیه بین ضد فاشیستی بصورت نیروی عظیم جهانی درآمد و از جهت قدرت اقتصادی و نظامی با آمریکا کله کله بود و با او در خیزش معنوی بینشهای روز و روزه با کورنای ضد حزبی حکومت رسید نه ماهیت ایستاد قدرت در کورن شد و از سوسیالیستی به امپریالیستی تحول یافت و دولت بزرگ شوروی که تا دیروز در کاخ خلق هامر بر امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم های دیگر قرار داشت اینک در کنار امپریالیسم آمریکا در پیروزی از راه وی سوسیالیستی بود بدین ترتیب (باستانی جمهوری تود های پر انخار آلبانی) بصورت دست نشانده ها و زائده های رژیم مستعمره های شوروی درآمدند و دولت ایستاد پیروز آنها حتی از افعال شیوه های قدیم مستعمراتی نیز باقی نماندند و اینچنانکه در باره چکسلواکی معلوم داشتیم و شوروی امپریالیسم تازه بدین راه است که استبداد مطلق است و ممالک سوسیالیست آمریکا در رقابت و سازش است. انحصار میبانی که وسیله بزرگ

پدیده های نوید بخش نوین در خاور میانه

اثرات و نتایج جنگ خاور میانه را در مباحثات تخصصی کرانه آمریکا و شوروی این دو مبدعی جهان سازی در برقراره "آتش بس" و در بازگشت حالت "نه صلح و نه جنگ" نباید خلا کرد. آنچه در عمق گذشته و میگذرد به مراتب عظیم تر از این است. جنگ خاور میانه افسانه شکست ناپذیری اسرائیل را اثر شکست تصادف درونی دارد و سبب فرماتروری یل آیهب را تشدید کرد. برخی از مداخل اسرائیل را در باره سیاست تجاوزکارانه دولت خویش به اندیشه وارد است و تحلیلی خلق های عرب را برای جانیاری در راه آزادی و استقلال بیعت رسانید و جنگ آزادی سرباز عرب را به بیجا نیان نشان داد و در خلق های عرب اعتماد بنفش و ایمان نه پیروزی آورد.

جنگ خاور میانه همسنگی خلق های جهان را با عرب تحکیم کرد و خاور میانه را بیش از پیش با افریقا پیوند داد. اسرائیل که از سالهای ده سیست نفوذ در افریقا آغاز کرده و مواضع متعدد اقتصادی و نظامی و فنی و سیاسی به دست آورده بود ناگهان رفته رفته هایش پینه شد. فقط در طس جنگ خاور میانه در کشور افریقای یا اسرائیل قطع رابطه کردند و امروز مجموع تعداد آن کشورهای افریقای که رابطه دیپلماتیک خود را با اسرائیل بریده اند به ۲۷ بالغ میگردند. جنگ خاور میانه وحدت خلق های عرب را به رنج عالی ترقی ارتقا داد. هیچ دولت عربی حتی ارتجاعی ترین نتوانست در برابر گرایش ترسوان و وحدت ایستادگی کند. در نتیجه ضد اسرائیل نه فقط نیروهای مصری و سوریه ای سازمان یافتند بلکه سربازانی از دلجه تا جبل طارق با بنیه مالی و اسلحه دولت های گوناگون عربی به نیرو ایستادند امری در هیچ جبهه عربی سابق نداشت. دست راست و چپ عرب آید و در دشمنی در مبارزات ضد امپریالیستی نوید میدهند.

استفاده از سلاح نفت یکی دیگر از مظاهر وحدت خلق های عرب است. تصمیم کشورهای عربی بر تقلیل تولید نفت و عدم ارسال آن به ممالک دستیار اسرائیل لطیفات بزرگ بر اخص امپریالیست ها وارد ساخت و بحران بوجود آورد. نشان بین امپریالیست ها و نیزه تصاد بین آمریکا و اروپا را تشدید کرد. تجربه نشان داد که سلاح نفت اگر با وحدت و یکپارگی بکار برود شیوه عامل موثری در مبارزات اقتصادی و سیاسی است. در حال حاضر اسرائیل ها از این سلاح در هر دو صوره استفاده کردند و هم ثروت خلق ها را برودند و هم شرکت های امپریالیستی نفت را به پایگاه معدود سیاسی خویش به دولتی در داخل دولت صاحب نفت به مرجع وزیر نشان و وزیر بود ارمیل ساختند. شرکت نفت انگلیس و ایران نمونه ای از آن بود و کشور سوم نفت از بقایای آنست. در روزهای اوائل شهریور ۱۳۲۰ اگر نیروی مؤثرتر و تانک ها و هواپیماهای ارتش شاهنشاهی نفت بر اثر حرکت و پیروزی نداشتند بحالت ایستاد انگلستان از نفت ایران به مثابه سلاح سیاسی بود. رضاخان میخواست با دولت به سبب بر خرید که هر لحظه بنابر آرا ده خون میتوانست از تحویل نفت به ارتش رضاخان خودداری کند. و آن را بصورت پرندگی بی پروال در آورد. اینک خلق های عرب در برابر امپریالیست ها به همین نوع استفاده از سلاح نفت دست زدند.

الفته هنوز کمبود های بسیار در اردوگاه اعراب پیشم میخورد. وجود دولت های ارتجاعی و دستیار امپریالیسم ترلوزن و بی تصمیمی برخی از دولت ها و شناختن دوستان دشمن و کفرانی به افسون رژیم یونیست های شوروی عدم تجهیزات توده های خلقی و فقدان احزاب مارکسیستی - لنینیستی و در پیوند با توده ها و غیره و غیره. دو همین کمبود هاست که دولت های مصر و سوریه را پس از رهساری در طریق ظفرمند جنگها لانه ضد صهیونیستی بر سر میزند. گزافه سر انجام کشانید و حالت خفت باز "نه جنگ و نه صلح" را باز آورد. آنچه تاریکی ندارد وجود این نقایص در برینه بقیه صفحه ۳

شناختن رژیم یونیست است افزایش قدرت نمائی این دو دولت است. همین قفسه بزرگی در جهان انگیزه نمیشود که دست این دو دولت در کار نباشد. نه فقط فریاد کشورهای کوچک از مستکبری و فریبکاری این دو دولت بلند است بلکه برخاستن کشورهای بزرگ آمریکا نیز بر علیه آنها در روزهای ترس و ترس و ترس میشود. جنگ اخیر خاور میانه مثال بسیار روشنی بود که نشان میداد این دو دولت در تحویل آزاد و خویش بر خلق ها دولت ها هیچ اختیاری نیست و در ستان مجازی و متحدان صلحی خویش ندارند. اینست واقعیت جریان تاریخ و واقعیت وجود دو امپریالیسم قدرت امپریالیستی.

ما که از ابر قدرت سخن میگویم منظورمان بیان مفهوم مجرد دولت بزرگ نیست بلکه واقعیت مشخص تاریخی وجود دو دولت بزرگ امپریالیستی آمریکا و شوروی را مشخص میسازیم. دو دولتی که هر یک از راه مشخصی باین مرحله رسیده است. یکی بارش و تکامل دولت امپریالیستی دیگری با تحول دولت سوسیالیستی به دولت امپریالیستی.

هیچ یک از مسائل و حوادث مهم سیاسی جهان سربازان را از برادریون نقش و ابر قدرت نمیتوان دریافت. فرزند و پادشاهان در راهی کارائیب و سرکوب انقلاب کوبا (برهبری لئون) اشغال جنگ اسلواکی و تحولات بازار مشترک اروپا مسئله آب های ساحلی و جنگ ویتنام و جنگ کابوچ و بحران خاور میانه و جنگ اعراب و اسرائیل و مسئله خلق فلسطین و مسئله بازار نفت و گاز و سایر ضمیمه.

در کشور ایران هیچ حزب و جمعیت سیاسی نمیتواند سیاست ملی ضد امپریالیستی در پیش گیرد مگر آنکه بیکار بر علیه امپریالیسم در راهی کارائیب و سرکوب انقلاب کوبا (برهبری لئون) امپریالیسم سوسیالیستی و خاور میانه و خلیج فارس تا غایت و تا زینکدنگی ایران سرمایه داری میبندد و گاز ایران را با قمارت میبندد و امتیاز نفت گرفته اند و در بازار گانی خارجی ایران گران میفروشند و از این سخنند و تعدد اکار شناسانان و پیوسته تعدد اکار سوسیالیست میفشان از امر کارگزار نیست و کشتی بقیه صفحه ۳

درس عبرت

روزنامه "زی ای بیولیت" ارگان مرکزی حزب کارگری ایران در ۲۲ شهریور در مقاله ای با عنوان "حوادث تاریخی انگیز سیاسی" در پیوسته برای انقلابیون سراسر جهان است منجمله می نویسد:

"حوادث شیلی که برای خلق شیلی و صحنی بزرگ ولی گذر بشار می آید. شکست چند جانبه ای است برای یونیست های معاصر. ضربه بزرگی است بر نظریه های امپریونیستی آنان. روزیونیست ها از شوروی گرفته تا ایتالیایی و فرانسوی "تجره شیلی" را به مثابه نمودار مشخص نظریه های "تازه" خویش در مورد "راه مسالمت آمیز انقلاب گذر امپریالیسم برهبری احزاب گوناگون" گرایش ماهیت امپریالیسم با شدت و خابوشی مبارزه طبقاتی در شرایط همسنگی مسالمت آمیز و غیره اعلام میداشتند."

در کلیه اسناد برنامه های احزاب روزیونیستی غرب که پس از گذر از حزب کمونیست شوروی تنظیم شده و از راه گداز از سرمایه داری سوسیالیسم را مطلق ساخته و راه غیر سوسیالیسم مسالمت آمیز را بکلی طرد کرده اند. و این ایر سبب شدیدی که احزاب مذکور بطور قطع از مبارزه انقلابی روی برتابند بیانی و فرم های عادی و اقتصادی و اداری محدودی باشند.

تاریخ ثابت کرده و حوادث شیلی که در آنجا هنوز از سوسیالیسم خبری نبود و فقط رژیم دموکراتیک برقرار بود پارادیک صراحتاً مسلم ساخته که استقرار سوسیالیسم از طریق پارلمانی بکلی غیر ممکن است. قبل از هر چیزی باید تاکید کرد که تاکنون هرگز اتفاق نیفتاده است که شوروی بگذارد کمونیست ها در پارلمان اکثریت بدست آورند و دولت تشکیل دهند. و حسی اگر اتفاق افتاده که کمونیست ها و متحدانشان تعدادی در پارلمان بسوی خود بوجود آورده و وارث دولت شده اند این امر تغییری در خصلت بورژوازی پارلمان و دولت وارد نکرده و

اقدامات آنان هرگز به در هم شکستن دستگاه کهن دولت بورژوازی و تعویض آن با دستگاه نوین نتهیجا میبده است. در هر دو سراسر تاریخ نهضت کمونیستی و کارگری بین المللی نشان داده است که انقلاب از طریق اعمال تجزیه ویرانه افکندن دستگاه دولتی بورژوازی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا قانون عام انقلاب برقرار است.

مقاله مذکور میشود که امروز هر انقلاب و امر از مرکزیت آن و ضد امپریالیستی و یا برتری و سوسیالیستی نباید نیروی مداخله امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم آمریکا را کسابقه ممتدی در کودتای ساری دارد. بحساب بگذارد.

"تا آنکه که امپریالیسم وجود دارد سیاست تفسیر نباید از او منی بود اخله در امور داخلی سایر کشورها. اقدام به توطئه های ضد انقلابی و سرنگون ساختن دولت های قانونی برانگیزن نیروهای دموکراتیک و مترقی. خفه کردن انقلابی و همچنین ممانی سیاست مذکور و امکانات اجرای آن کجود خواهد داشت.

"کودتای نظامی فاشیستی شیلی فقط کار ارتجاعی نیست بلکه کار امپریالیسم هم هست. مقاله خاطرنشان میسازد که انقلاب فقط با نیروها امپریالیستی بی نقاب رویرو نیست. نیروهای نقاب آری نیز هستند که برای جلب توده ها فریب میبندند و در مواقع حیاسی بسو انقلاب میبازند.

"خدا انقلاب در شیلی فقط کار نیروهای صریحا ارتجاعی و امپریالیست های آمریکائی نیست. دولت آینه و بشدیدترین وجهی در معرض مبارزه و خرابکاری دموکرات های سوسی و سایر جریانات بورژوازی موسوم به رادیکال های دموکرات نیز قرار گرفت و این نیروها از نوع همان هائی هستند که احزاب کمونیست ایتالیا و فرانسه میخواهند بقیه صفحه ۳

پیروزی باد جنگ توده ای خلق گامی بروج